

هویت بخشی به سکانس های خیابانی مرتبط با محلات هویتمند با تاکید بر سرمایه اجتماعی

مورد پژوهی: خیابان مصطفی خمینی، قلب تاریخی تهران

هادی پندار: استادیار طراحی شهری، عضو هیئت علمی گروه طراحی شهری دانشگاه هنر، تهران، ایران

h.pendar@art.ac.ir

حانیه خسروی: کارشناسی شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، تهران، ایران.

چکیده:

بکارگیری سرمایه اجتماعی در فرایند بهسازی خیابان های واقع در محلات سنتی، مستلزم شناخت فرآیند های شکل دهنده به سکانس ها در طول زمان است. هدف پژوهش حاضر معرفی چارچوبی جهت به کارگیری سرمایه های اجتماعی در بهسازی محیطی و نگهداری مسئولانه سکانس های مرتبط با محلات در خیابان است. پرسش پژوهش آن است که چگونه می توان نقش امروزی خیابان به عنوان عنصر جداکننده محلات را به عنصر پیوند دهنده ی آن ها تبدیل نمود؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی در ۳ فاز ۱- تبیین چارچوب مفهومی مرتبط جهت ورود به بستر پژوهش ۲- تحلیل و بحث در خصوص یافته های عینی و ذهنی و ۳- رتبه بندی راهبردهای مشارکت موثر و تحلیل کیفی داده ها را به انجام رساند. ابزار سنجش، پرسشنامه نیمه ساختار یافته و استفاده از آمار توصیفی و استنباطی با استفاده از نرم افزار S P S در راستای سنجش معیارها و پاسخگویی به پرسش ها بوده است. بستر پژوهش خیابان امام خمینی و محلات مجاور آن می باشد. بر اساس جمعیت جامعه آماری پژوهش، حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۸ نفر محاسبه شد. شاخص های پژوهش، دعوت کنندگی، تظاهر شخصیت محله در لبه خیابان، شفافیت و عمق بخشی به لبه خیابان و احساس تعلق و رفتارهای مسئولانه محیطی می باشند. بر اساس نتایج پژوهش گویه های مرتبط با طراحی ورودی های همخوان با هویت تاریخی محلات و تداوم فعالیت های تفریحی و گردشگری در لبه و بافت درونی محلات، در جهت هویت بخشی به سکانس های خیابان از اهمیت بالاتری برخوردارند.

کلمات کلیدی: سرمایه اجتماعی، سکانس بندی خیابان، مشارکت موثر، تکنیک یادگیری و اقدام مشارکتی، خیابان مصطفی خمینی، تهران

۱- مقدمه

مفهوم سرمایه اجتماعی در محلات مسکونی، طی سال های اخیر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و جامعه شناسان شهری قرار گرفته است. سرمایه اجتماعی با تکیه بر شبکه ای از هنجارها و ارزش ها و سازمان هایی که مردم از طریق آن ها به توانایی ها، ظرفیت ها و استعداد های خود به منظور مشارکت در بهسازی مکان و محیط زندگی شان می رسند، به آن ها قدرت تصمیم گیری و مشارکت بیشتر در فرایندهای فوق را می دهد. از این رو برای تحقق توسعه شهری که به دنبال بهبود بخشیدن به وضعیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی افراد یک جامعه است، تقویت سرمایه اجتماعی ضروری به نظر می رسد. در جوامع شهری امروز با وجود سرمایه های فیزیکی، اقتصادی و انسانی فراوان، کندی در روند توسعه شهری مشهود می باشد که به نوعی خلاء سرمایه اجتماعی را نشان می دهد (محسنی تبریزی، آقا محسنی، ۱۳۸۹). یکی از جدید ترین روش های به کارگیری سرمایه اجتماعی در پژوهش های شهری، توسعه مشارکتی ست، این رویکرد در واقع اصول مربوط به یادگیری و اقدام مشارکتی را شامل می شود، که در وهله اول برای پروژه های توسعه طراحی شده است. این رویکرد مجموعه جدیدی از کنشگران در حوزه تحقیق و سیاست گذاری را معرفی می کند (Middendorf, Prasad, Pierzynski, 2019).

ورود خیابان و شکل گیری عملکردهای تجاری و خدماتی فرا منطقه ای آن، بعضا آثار نامطلوبی بر محلات مرتبط با خیابان ها هم داشته است. به طور کلی محلات مرتبط با این خیابانها معمولا دو دسته تغییرات را متحمل شده اند؛ محلاتی که خیابان آنها را به دو نیم کرده است و انسجام محله را از بین برده است نظیر محله بازار، و محلاتی که به واسطه ی این خیابان ارتباط فضایی شان را با یکدیگر از دست داده اند و تظاهراتی در لبه ی خیابان ندارند. نمونه ی مورد مطالعه، خیابان مصطفی خمینی، دارای سابقه ی تاریخی ویژه ای می باشد و بخشی از تاریخ مبتنی بر خیابان ها را در شهر تهران رقم می زند. این خیابان همچنین محل شکل گیری نوعی از روابط اجتماعی شده است؛ روابط اجتماعی مبتنی بر تجارت، گردشگری، عملکرد های اداری و غیره که باتوجه به وجود لایه های مرتبط با سرمایه های اجتماعی در بافت بلا فصل خیابان، امکان استفاده از آن در روند بهسازی محیطی خیابان امکان پذیر است. هویت یکپارچه محلات تاریخی مرتبط با این خیابان نیز به شدت تحت تاثیر عملکرد و شخصیت خیابان مصطفی خمینی قرار گرفته است. سرمایه های اجتماعی با توجه به اهمیتی که در برنامه ها و طرح های شهری دارند، در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته و در این خصوص مصاحبه هایی با ذینفعان محلات متصل به آن انجام شده و بازخورد های آن مورد استفاده قرار گرفته است. هدف پژوهش حاضر معرفی چارچوبی جهت به کارگیری سرمایه های اجتماعی در بهسازی محیطی و نگهداری مسئولانه سکناس های مرتبط با محلات در خیابان است.

مقاله حاضر پس از تبیین مساله و معرفی اجمالی بستر و سوالات پژوهش در مقدمه در بخش دوم به پیشینه نظری و چارچوب مفهومی مرتبط با پژوهش و در بخش سوم به معرفی روش تحقیق در راستای دستیابی به پاسخ پرسش های پژوهش می پردازد. در ادامه شناخت و تحلیل بستر پژوهش به صورت عینی و ذهنی و بر اساس ابزار تعریف شده در بخش روش شناسی امکان تحلیل داده ها و بحث و کاربست نتایج را در بخش بعد فراهم می نماید. در انتها در بخش نتیجه گیری ضمن پاسخ به پرسش های پژوهش زمینه پژوهش های آتی معرفی می شود.

پرسش های پژوهش:

- ۱- چگونه می توان نقش امروزی خیابان به عنوان عنصری در جهت جدا سازی محلات را به عنصری پیوند دهنده به اتصالات محلی گسسته شده، در راستای ویتروینی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی، تبیین نمود؟
در راستای پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، دستیابی به پاسخ سوالات زیر نیز ضروری به نظر می رسد:
- ۱-۱- رابطه سرمایه اجتماعی در محلات مورد مطالعه و خیابان میان آن ها چگونه قابل بررسی است و آیا می توان به سکناس بندی هویتمند از خیابان بر اساس محلات متصل به آن و هویت مبتنی به سرمایه اجتماعی در آنها رسید؟
- ۱-۲- چگونه می توان از قابلیت های سرمایه اجتماعی محلات در جهت نگهداری مسئولانه خیابان شهری مرتبط با آن ها استفاده نمود؟

۲- پیشینه نظری و چارچوب مفهومی پژوهش

۲-۱- سرمایه اجتماعی

از سال ۱۹۸۰ میلادی، مفهوم سرمایه اجتماعی وارد علوم اجتماعی به ویژه جامعه شناسی شد که ابتدا توسط افرادی چون «بورديو»، «پاسرون» و «لوی» مطرح شد و توسط کسانی چون «کلمن»، «بارت»، «پاتنام» و «پرتز» بسط و گسترش داده شد. (وول وک، ۱۹۹۸، ص ۱۵۹). در

ادبیات علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی سرمایه اجتماعی به مجموعه‌ای از هنجارها، ارزش‌ها، شبکه‌ها و سازمان‌هایی اشاره می‌کند که مردم از طریق آنها به توانایی‌ها و ظرفیت‌ها و استعداد خود می‌رسند که این توانایی‌ها به افراد قدرت تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری می‌دهد (سرگل‌دین و گرتارست، ۲۰۰۰، ص ۴۴-۴۵). تعریف رایج سرمایه اجتماعی از دیدگاه کارکردگرایی عبارت است از روابط دو جانبه تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان تعهدات و هنجارهای پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می‌شود. در مقابل این نظریه، جامعه‌شناسان اروپایی مفهوم سرمایه اجتماعی را در برر سی این موضوع به کار می‌گیرند که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی، سلسله‌مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می‌کند. با این وجود نکات مشترک این دو دیدگاه در مورد سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش برخی ویژگی‌ها مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و در نهایت توسعه است. همچنین بانک جهانی سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تاثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (محسنی تبریزی و آقا محسنی، ۱۳۸۹). جدول شماره ۱ به دسته‌بندی نظریه پردازان مرتبط با سرمایه اجتماعی و اصول مرتبط با هر نظریه می‌پردازد. (جدول ۱)

جدول ۱. نظریه پردازان و محققان رویکرد سرمایه اجتماعی

نظریه پردازان	اصول و نتایج تحقیقات
نان لین	«کنترل اجتماعی»: مجموعه وسایل و شیوه‌هایی است که با استفاده از آنها، یک گروه یا یک واحد، اعضای خود را به پذیرش هنجارها، و حتی آداب و رسوم منطبق با آنچه گروه، مطلوب تلقی می‌کند، سوق میدهد.
جیمز کلن	او در تحلیل و تبیین سرمایه اجتماعی به جای توجه به ماهیت و محتوای آن به کارکرد سرمایه اجتماعی توجه دارد. «آگاهی اجتماعی»: آگاهی اجتماعی شامل مجموعه‌ای از افکار، عقاید و حساسیت نسبت به زندگی می‌باشد.
فرانسیس فوکویاما	او مطرح می‌کند که قدرت و کارایی سرمایه اجتماعی در جامعه به میزان پایبندی اعضای آن جامعه به هنجارها و ارزشهای مشترک بستگی دارد. «مشارکت اجتماعی»: مشارکت اجتماعی به ساده‌ترین و مستقیم‌ترین معنای آن شرکت فعالانه افراد در زندگی اجتماعی است.
پیر بورديو	او سرمایه اجتماعی را حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعلی که نتیجه مالکیت شبکه با دوامی از روابط نهادی شده بین افراد و به عبارت ساده تر، عضویت در یک گروه است تعریف می‌کند. «اعتماد اجتماعی»: اعتماد از شرایط و الزامات کلیدی موجودیت هر جامعه محسوب شده و برای حل مسائل اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد؛ بطوری که باعث پیدایش آرامش و امنیت روانی می‌گردد.
رابرت پوتنام	به باور او در حالی که سرمایه مادی به دارائی‌های مادی و سرمایه انسانی به ویژگی‌ها و استعدادهای افراد اشاره دارد، سرمایه اجتماعی ناظر بر ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد متقابل ناشی از آنهاست. «انسجام و همبستگی اجتماعی»: انسجام اجتماعی به معنای آن است که گروه وحدت خود را حفظ کرده و با عناصر وحدت بخش خود تطابق و هم‌نوایی داشته باشد.
پابلو گالاسو	نتایج کار او به ردیابی ریشه‌های سرمایه اجتماعی در سه زمینه مختلف دانشگاهی کمک می‌کند: ادبیات مربوط به سرمایه اجتماعی، اقتصاد محلی و منطقه‌ای و تحلیل شبکه‌های اجتماعی.

ماخذ: برگرفته از: (علوی تبار، ۱۳۷۹) (عیوضلو، پوراحمد، حاتمی نژاد، ۱۳۹۳) (گالاسو، ۲۰۱۸)

۲-۲- مشارکت^۲

واژه مشارکت از حیث لغوی به معنی با همدیگر عمل کردن، به عهده گرفتن، سهمی از چیزی بردن و عمل متقابل اجتماعی در یک گروه است. در مورد معنای اصطلاحی آن نیز نظرهای مختلفی وجود دارد که در مجموع می‌توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تاثیرپذیری دانست. با پذیرش این معنی برخی صاحب نظران، تعریف زیر را برای مشارکت عرضه کرده اند: «مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را می‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.» (طوسی، ۱۳۷۰: ۵۴). اجزا مشارکت و مهمترین پیش نیازهای آن نیز در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲. اجزاء مشارکت

اجزاء مشارکت	عمده ترین پیش نیازهای مشارکت
--------------	------------------------------

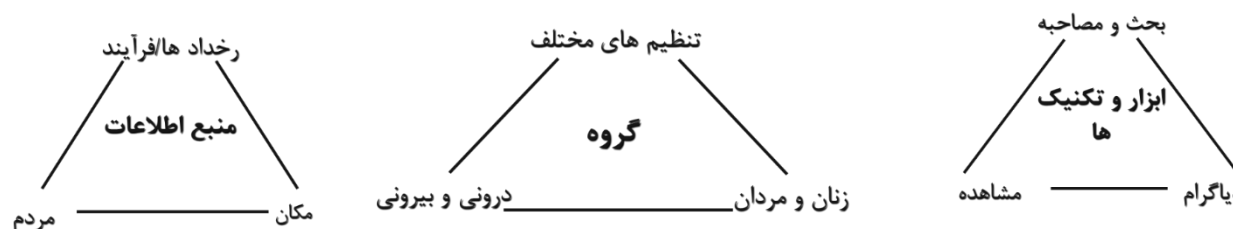
فراهم بودن زمینه مشارکت: به سختی ممکن است در زمان اضطرار و فوریت و قبل از آنکه زمینه های آن فراهم شده باشد به نحوی مناسب تحقق یابد.	درگیری ذهنی و عاطفی: در مشارکت، خود شخص نیز درگیر است و تنها مهارت و توانایی های وی یا امکانات فراهم شده به دست وی درگیر نیست. این درگیری روانشناختی است و نه جسمانی. انسانی که مشارکت می کند، خود-درگیر است و نه کار-درگیر.
مورد علاقه بودن موضوع مشارکت: موضوع مشارکت باید مشخص و مورد علاقه افراد باشد، در غیر این صورت آنان به مشارکت همانند سرگرمی و یا از سر اضطرار خواهند پرداخت. به هر حال پایداری مشارکت با علاقه فرد پیوند دارد.	یاری دادن: شخص در مشارکت این فرصت را می یابد که از قابلیت ها، ابتکارات و آفرینندگی خود برای دست یابی به هدف های گروهی استفاده نماید. از این رو مشارکت با موافقت فرق دارد.
عدم احساس تهدید: فرد مشارکت کننده نباید احساس کند که مشارکت جایگاه و موقعیت او را تهدید خواهد کرد.	مسئولیت پذیری: مشارکت، اشخاص را بر می انگیزد تا در کوشش های گروه خود مسئولیت بپذیرند. در واقع مشارکت هنگامی تحقق می یابد که بی تفاوتی و بی مسئولیتی جای خود را به احساس وابستگی، هم سرنوشتی و مسئولیت بدهد.
فایده مشارکت مندی: فواید احتمالی مشارکت باید بر هزینه های آن فزونی داشته باشد.	
وجود توانایی های فردی: مشارکت کنندگان باید از توانایی های لازم (مانند شناخت و دانش کافی، توانایی برقراری ارتباط متقابل، امکانات مالی و ...) برخوردار بوده تا بتوانند در مشارکت کارآمد باشند.	
آزادی: مشارکت هنگامی معنا دارد که فرد امکان انتخاب و آزادی اختیار داشته باشد.	

ماخذ: نگارنده برگرفته از (علوی تبار، ۱۳۷۹:۱۶)

۳-۲- تکنیک یادگیری و اقدام مشارکتی^۳

اصطلاح یادگیری و اقدام مشارکتی که در سال ۱۹۹۵ معرفی شده است، گاهی برای توصیف ارزیابی مشارکتی رو ستا^۴ استفاده می شود اما گسترده تر از آن است و شامل روش های و رویکردهای مشابه یا مرتبط دیگر نیز می باشد. به دلیل تداوم و همپوشانی این گروه از روش ها، این مجموعه تکنیک ها گاهی به عنوان "یادگیری و اقدام مشارکتی" / "ارزیابی سریع رو ستا"^۶ / "ارزیابی مشارکتی رو ستا" نام برده می شود.

"ارزیابی مشارکتی رو ستا" روشی برپایه منطق اجتماعی و یادگیری مبتنی بر شهود است که برکنش اجتماعی متمرکز است. این امر با زمینه های مختلف از توسعه جامعه گرفته تا آموزش، بهداشت، تعامل عمومی، موضوعات زیست محیطی و حل مسئله در محیط کار ارتباط مستقیم دارد (Chevalier. Buckle, 2019). این روش جامع و علمی در اواخر دهه ۱۹۷۰ در سازمان های بین المللی و موسسات تحقیقاتی مرتبط با فعالیت های توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم توسعه یافت؛ یک تجربه یادگیری متقابل، سیستماتیک، اما نیمه ساختار یافته، در یک جامعه محلی که با یک تیم بین رشته ای شامل اعضای آن جامعه برای به دست آوردن و تجزیه و تحلیل کارآمد داده ها در مورد شرایط اجتماعی برای تولید اطلاعات مفید و قابل اعتماد در زمان مناسب می باشد (Chambers, 2008). اهداف اولیه توسعه مشارکتی عبارت اند از: توانمندسازی حاشیه نشین ها و تهیه دستان برای تجزیه و تحلیل شرایط و نیازهای خود و ایجاد توانایی تصمیم گیری در آنها؛ ایجاد فرصتی برای یادگیری متقابل بین جامعه و دست اندرکاران توسعه و افزایش کارایی، اثربخشی و پایداری پروژه های توسعه (Davis, Grab, 2019).



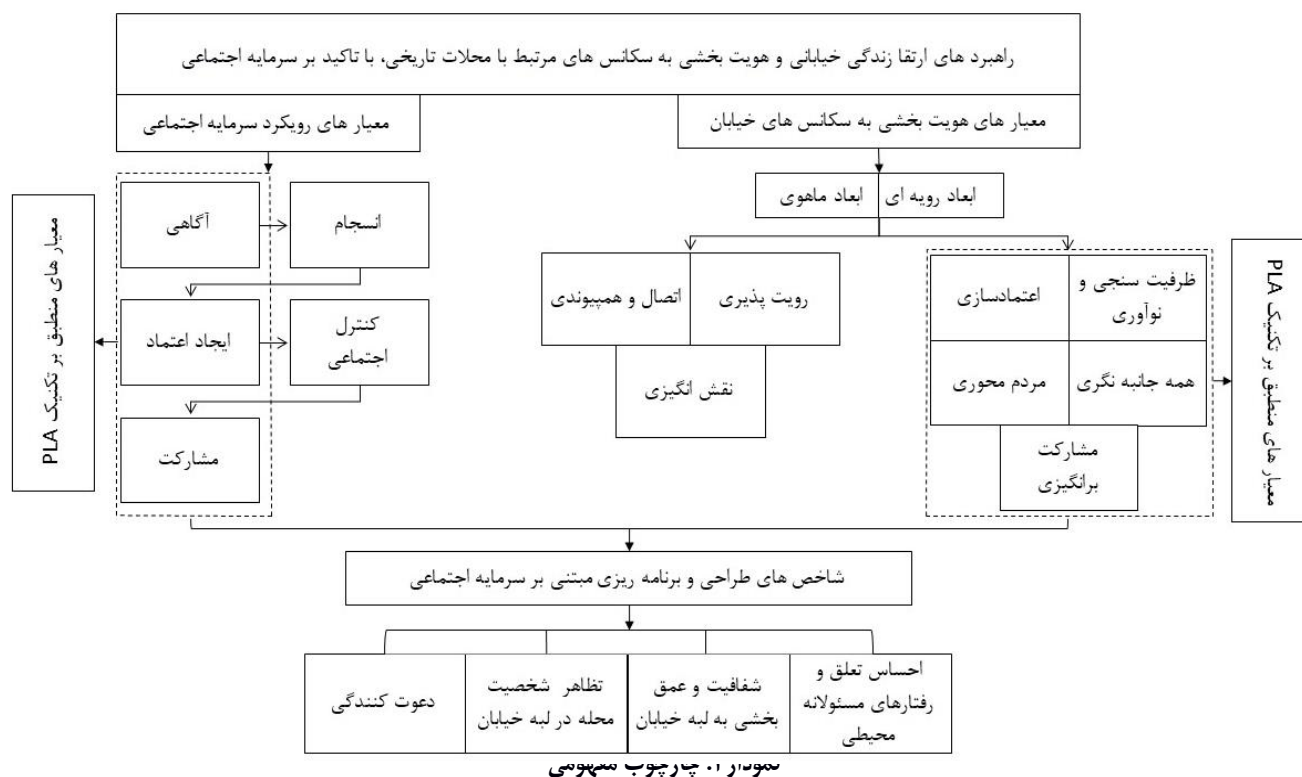
نمودار ۱. اصول تکنیک یادگیری و اقدام مشارکتی (P L A)

۴-۲- چارچوب مفهومی

با توجه به معیار های رویکرد سرمایه ی اجتماعی و همچنین انطباق این معیار ها با معیارهای هویت بخشی به سکانس های خیابان، چارچوب نظری حاضر، از تقسیم ابعاد به دو بعد ماهوی و رویه ای برای رسیدن به شاخص های طراحی و برنامه ریزی

گفتمان طراحی شهری

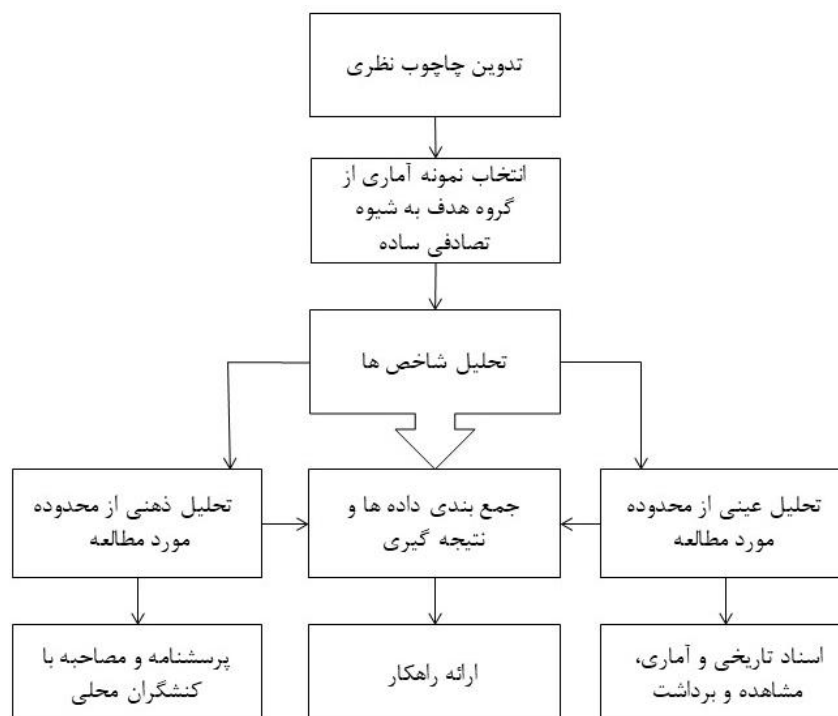
مبتنی بر سرمایه اجتماعی، تدوین شده است. (نمودار ۲) معیارهای اولیه و همچنین شاخص های نتیجه گیری شده با استفاده از تکنیک یادگیری و اقدام مشارکتی به دست آمده است. در این تکنیک ابزار های مورد استفاده، بحث و مصاحبه، مشاهده و دیاگرام های مفهومی می باشد که در رابطه با کنش گران (شامل زنان و مردان ذینفع و یا ذینفوذ در داخل و خارج از محدوده ی مورد مطالعه) به کار برده می شوند. در این راستا، مصاحبه های اکتشافی انجام شده با کنشگران که سعی شده شامل تمام گروه های سنی و جنسی باشد، کلیدواژه هایی را در اختیار گذاشتند و از اشتراک این کلید واژه ها با معیارهای دو رویکرد اصلی و جمع بندی آنها بر اساس مشاهده های انجام شده ۴ شاخص اصلی برای طراحی و برنامه ریزی مبتنی بر سرمایه اجتماعی حاصل شده است.



۳- معرفی روش تحقیق

موضوع تحقیق حاضر راهبرد های هویت بخش به سکانس های مرتبط با محلات تاریخی در خیابان مصطفی خمینی تهران با تاکید بر سرمایه اجتماعی می باشد. این پژوهش از نظر هدف، یک پژوهش کاربردی است و از حیث گردآوری داده ها، یک تحقیق توصیفی-پیمایشی و از نوع داده ها و نحوه تجزیه و تحلیل آن یک تحقیق کیفی-کمی محسوب می شود. همچنین در روش جمع آوری اطلاعات از روش پیمایشی بهره می گیرد. در این راستا از دو روش کتابخانه ای و میدانی برای جمع آوری داده ها استفاده شده است که برای جمع آوری اطلاعات میدانی شیوه جمع آوری پرسشنامه و مصاحبه نیمه استاندارد انتخاب شده و مطالعات کتابخانه ای شامل بررسی اسناد و مدارک و مبانی نظری مرتبط با رویکرد پژوهش می باشد. همچنین در این پژوهش بر اساس روش تکنیک یادگیری و اقدام مشارکتی شیوه هایی برای جذب مشارکت کنشگران به کار گرفته شده است که مبتوان به برگزاری جلسات بحث و گفت و گو و کسب اطلاعات شناختی از طریق برخورد مداوم با شهروندان و شرکت در رویدادهای محلی نام برد. در این پرسشنامه، جامعه آماری معطوف به ۳۷۸ نفر از ساکنین و شاغلین محدوده ی مورد مطالعه است که به دو گروه مردان و زنان تقسیم شده، همچنین در گروه های سنی مختلف در رده نوجوانان، جوانان، میانسالان و افراد مسن توزیع شده اند. فرآیند توزیع پرسشنامه در ساعات مختلف روز، و روزهای مختلف هفته در خیابان در سال ۱۳۹۸ انجام شده است. پس از برداشت های میدانی و بررسی

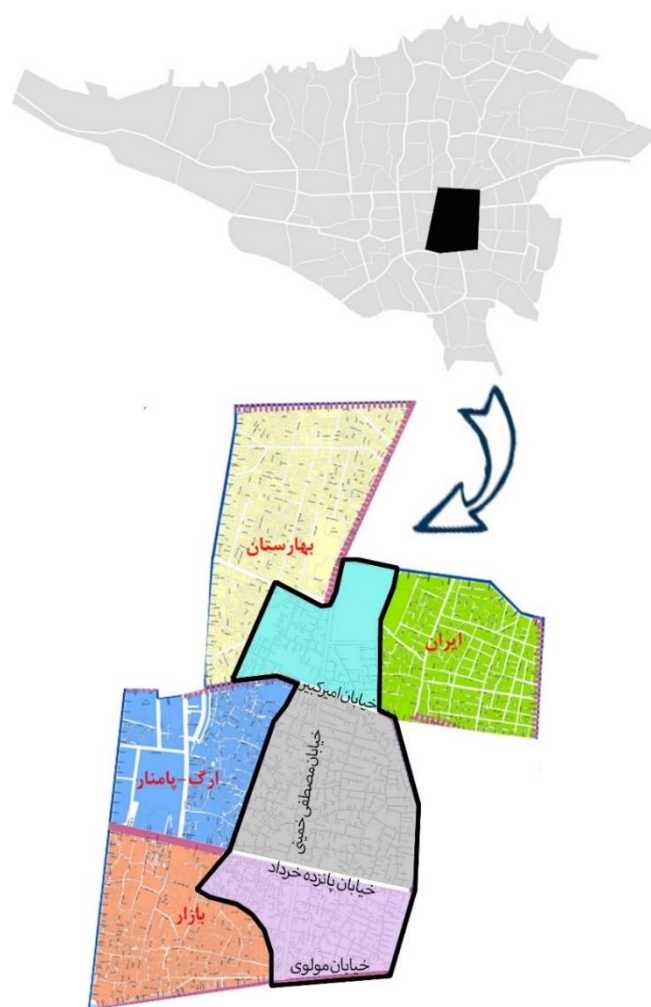
پرسشنامه‌ها با استفاده از روش‌های آماری و تحلیل نرم افزار اسپس اس شاخص‌ها و مولفه‌های به دست آمده از مبانی نظری، اعتبار سنجی و اولویت بندی شده‌اند (نمودار ۳).



۴-شناخت و تحلیل بستر پژوهش

محدوده مورد مطالعه شامل خیابان مصطفی خمینی به عنوان محور اصلی و بافت پیرامون آن می باشد که از جنوب به خیابان مولوی و از شرق به خیابان ری محدود می شود. مرزهای شمالی و جنوب غربی محدوده به جهت پیچیدگی بافت‌های مسکونی در کالبد و همچنین نوع فعالیت و نقش آنها در رابطه با این خیابان، به طور مشخص با یک خیابان اصلی جدا نمی شود اما در شمال غرب محدوده خیابان پامنار و در جنوب غربی نزدیک ترین بلوک‌های مسکونی و تجاری به خیابان مصطفی خمینی به عنوان مرز محدوده مداخله در نظر گرفته شده‌اند. (تصویر ۱)

تصویر ۱. موقعیت محدوده مورد مطالعه



۴-۱- شناخت عینی محدوده

شناخت عینی محدوده بر اساس ۴ شاخص، دعوت کنندگی، تظاهر شخصیت محله در لبه خیابان، شفافیت و عمق بخشی به لبه خیابان و احساس تعلق و رفتارهای مسئولانه محیطی از طریق مشاهده و بررسی اسناد، به طور جداگانه برای هر یک از سکانس ها (تصویر ۲) در جداوا، شماره ۳ تدوین شده است.

تصویر ۲. سکانس بندی خیابان مصطفی خمینی



مصفی خمینی



دوره ۱، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹

گفتمان طراحی شهری

جدول ۳. شناخت عینی سکانس های سه گانه خیابان

شاخص ها					
سکانس	موقعیت	دعوت کنندگی	تظاهر شخصیت محله در لبه خیابان	شفافیت و عمق بخشی به لبه خیابان	احساس تعلق و رفتارهای مسئولانه محیطی
اول	محله بازار	باتوجه به پیچیدگی ورودی ها(خیابان اسماعیلی اول و دوم) و خوانایی آنها به سبب المان های دعوت کننده به سمت مرکز بازار و امام زاده، دعوت کنندگی محله از سمت غرب خیابان نسبتاً مناسب است اما بخش شرقی محله به دلیل تعدد ورودی های مشابه و بدون نشانه ی معنایی خاص، تا حدودی از کل محله جدا شده است.	به غیر از تابلو های هدایت کننده به سمت راسته های مختلف بازار، مسجد و امام زاده، نشانه معنایی دیگری برای عیان سازی هویت محله بازار در خیابان مصطفی خمینی وجود ندارد.	به دلیل نقش تجاری محله بازار در کنار هویت تاریخی آن، نوعی ارتباط عملکردی بین این محله و خیابان مصطفی خمینی ایجاد شده است هرچند، این پیوستگی و تبلور هویت محله، آنچنان که در خیابان های پانزده خرداد و مولوی رخ داده است، در این خیابان محسوس نیست.	ساکنین محله بازار به دلیل قدمت سکونت نسبت به امنیت محله و کنترل اجتماعی رفتار های ناهنجار حساسیت نشان می دهند. اما با افزایش مهاجرت ساکنین قدیمی و تبدیل کاربری های مسکونی به انبار و تولیدی، رفتار مسئولانه محیطی نیز در این محله در حال کاهش است.
دوم	محله پامنار و امام زاده یحیی	ورودی محلات امام زاده یحیی از خیابان مصطفی خمینی به دلیل وجود تنها یک ورودی که به مرکز محله مرتبط می شود و تعدد ورودی های محلی تر به بافت دوم لبه ی خیابان، دارای دعوت کنندگی مناسبی می باشد. در محله پامنار دعوت کنندگی با المان هایی نظیر مسجد در ابتدای ورودی ها تقویت شده است.	با وجود غلبه کاربری های تجاری با عملکرد فرا منطقه ای در سرتاسر خیابان در حد فاصل خیابان پانزده خرداد تا امیر کبیر که راسته پیوندی دو محله ایران و پامنار می باشد، تبلور عملکرد ها و المان های محلی نشان دهنده هویت این محلات، رخ نداده است.	در بافت های ثانویه محلات پامنار و امام زاده یحیی، عناصر تاریخی و فرهنگی متعددی وجود دارد که جز با شناخت کامل از محله، صرف عبور از خیابان مصطفی خمینی امکان باز شناسی آنها وجود ندارد. چرا که پوسته تجاری و نفوذناپذیر خیابان در این محدوده ارتباط با عمق را از بین برده است.	نظافت و نگهداری از فضاهای عمومی، در محلات ایران و پامنار گواه احساس تعلق آنها شهروندان و همچنین اعتراضات محلی نسبت به تعدد کاربری های ناسازگار و همکاری با سرای محلات نیز نشان از رفتار مسئولانه شهروندان این محلات می باشد.

سوم	محله ایران و بهارستان	وجود تنها یک ورودی به محله ایران، وجود مسجد مطهری در ابتدای این ورودی و مجاورت آن با مجموعه مجلس، سبب تقویت عنصر دعوت کنندگی به این محله شده است، هرچند ارتباط این ورودی با مرکز محله غیر مستقیم بوده است. ورودی اصلی به محله بهارستان نیز از میدان بهارستان در انتهای خیابان مصطفی خمینی تامین می شود. سایر ورودی ها فرعی و به جهت دسترسی پیاده وجود دارند. از این رو دعوت کنندگی به محله تا حدودی وجود داشته اما ارتباط با مرکز محله به خوبی تامین نشده است.	محله بهارستان به دلیل سابقه تاریخی و وجود عناصر شاخص هویت بخش، نسبت به سایر محلات مرتبط با خیابان نفوذ بیشتری در لبه و هویت خیابان داشته است. اما شخصیت محله ی ایران به دلیل قرار گیری عناصر فرامنطقه ای در لبه، به خوبی در خیابان متظاهر نشده است.	خیابان مصطفی خمینی در محدوده ی محله بهارستان از سمت غرب، به دلیل موقعیت میدان بهارستان و عملکردهای نسبتاً متنوع این محله در اطراف میدان، به خوبی با عمق بافت پیوند یافته و از شفافیت نسبی برخوردار است. اما در شرق خیابان به دلیل کاربری های اداری، نفوذ پذیری بسیار کاهش یافته است. هرچند وجود مسجد در این محدوده تا حدودی بین بافت مسکونی در مرکز محله و لبه ی خیابان پیوند ایجاد کرده است.	علاو بر این که تنها بخشی از شمال خیابان مصطفی خمینی به محله بهارستان تعلق دارد، افراد، محدوده بزرگتری از خیابان را متعلق به این محله دانسته و همچنین ساکنین و شاغلین در این محله نسبت به رویداد های مرتبط با خیابان بیش از سایر محلات حساسیت نشان داده و از تاریخچه آن آگاهی دارند.
-----	-----------------------	--	---	---	---

۴-۲- شناخت ذهنی محدوده (بر مبنای پرسشنامه و مصاحبه)

پرسش های باز و مصاحبه های انجام شده، بر اساس ۴ شاخص اصلی پژوهش انجام گرفته است و از خلال پاسخ های داده شده به پرسش های باز، گویه هایی جهت تدقیق مفاهیم و تدوین پرسش های بسته استخراج شده اند. در رابطه با هریک از گویه های استخراج شده، سوالات بسته ای با مقیاس لیکرت تدوین شده است که میزان اهمیت گویه برای نمونه آماری مورد مطالعه را مشخص می کند. هر یک از گویه ها با مولفه هایی که محتوای پرسش ها را تشکیل می دهند ارزیابی شده و پس از حذف مولفه هایی که همبستگی درونی با سایر مولفه ها نداشتند، از تجمیع پاسخ ها و میانگین آنها به هر یک از گویه ها، اولویت گویه های مورد نظر مشخص شده است. به این ترتیب که گویه های با اولویت بالاتر برای ارائه ی راهکار های عملی، گویه هایی در نظر گرفته شدند که در محدوده وجود نداشته و یا دارای کیفیت پایینی از نظر کنشگران بوده اند.

برای تعیین روایی صوری پرسشنامه برای هر یک از سوالات اولیه پنج گزینه منظور شده است. بدین ترتیب پنج گزینه "خیلی کم"، "کم"، "متوسط"، "زیاد" و "خیلی زیاد"، در نظر گرفته شد و نمراتی از ۱ تا ۵ به آنها اختصاص داده شده است. سپس پرسشنامه جهت تعیین روایی صوری در اختیار ۵ نفر از اساتید خبره قرار گرفت و از آنها خواسته شد تا از دید گروه هدف نظر خود را در مورد میزان اهمیت هر گویه مشخص کنند. سوالاتی که نمره تاثیرشان کمتر از یک و نیم بود حذف یا اصلاح شدند.

احساس تعلق و رفتارهای مسئولانه محیطی: احساس تعلق شهروندان و بروز رفتار های مسئولانه آنها را می توان با میزان آشنایی شان با سرای محلات و همکاری آنها با این نهاد ها برآورد کرد که در محله پامنار و ایران این همکاری و هماهنگی تا حدودی وجود دارد. هرچند تعداد واحد ها با کاربری انبار و بی نظمی های محیطی ناشی از آنها افراد را نسبت به همکاری در راستای بهسازی محیطی دلسرد کرده است. (جدول ۴)

جدول ۴. پرسش های مربوط به شاخص احساس تعلق و رفتارهای مسئولانه محیطی

میزان اهمیت گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۳. کیفیت عملکرد سرای محله	۱۰٪	۱۵٪	۵۰٪	۱۵٪	۱۰٪
۴. کیفیت رویدادهای جمعی	۰٪	۵٪	۴۰٪	۳۰٪	۲۵٪
۲. نظافت معابر عمومی	۳۰٪	۱۰٪	۲۰٪	۲۰٪	۲۰٪
۱. امنیت اجتماعی	۲۰٪	۳۰٪	۲۵٪	۲۰٪	۵٪

شفافیت و عمق بخشی به لبه خیابان: باتوجه به پاسخ افراد به سوالات پرسشنامه در خصوص نوع فعالیت مطلوب آنها جهت برقراری پیوند بین محلات و خیابان، بیشترین کاربری هایی که پتانسیل ایجاد عمق در لبه ی خیابان و امکان بسط فضایی در بافت محلات را داشته است، کافه ها و رستوران ها، کاربری های شبانه روزی نظیر مهمان سرا ها و مجموعه های اقامتی و گردشگری می باشند. (جدول ۵)

جدول ۵. پرسش های مربوط به شاخص شفافیت و عمق بخشی به لبه خیابان

میزان اهمیت شاخص	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱. هماهنگی هویت کالبدی از عمق به لبه	۳۰٪	۲۵٪	۱۰٪	۲۵٪	۱۰٪
۴. پیوستگی فضایی	۰٪	۲۵٪	۳۵٪	۲۵٪	۱۵٪
۳. نفوذ پذیری فیزیکی	۲۰٪	۲۵٪	۲۵٪	۲۰٪	۱۰٪
۲. نفوذ پذیری بصری	۲۵٪	۲۵٪	۳۵٪	۱۵٪	۰٪

تظاهر شخصیت محله در لبه خیابان: در رابطه با تمام محلات محدوده ای ذهنی وجود دارد که با مرز های قانونی آنها می تواند متفاوت باشد. از آنجا که خیابان مصطفی خمینی مرز پنج محله ی تاریخی را شامل می شود، و تمایز این محلات حتی برای ساکنین آنها نیز در لبه خیابان قابل تشخیص نیست، چنین برداشت می شود که شخصیت محلات به وضوح در لبه ی خیابان تظاهر پیدا نکرده اند. چرا که باتوجه به پاسخ افراد به سوالات، بیش از نیمی از آنها قادر به تشخیص محدوده محله ی خود در طول خیابان مصطفی خمینی نبوده و اظهار داشتند که هیچ یک از عناصر به کار برده شده در این محور نمایانگر هویت متمایز و در عین حال یکدست محلات مرتبط با آن نمی باشد. (جدول ۶)

جدول ۶. پرسش های مربوط به شاخص تظاهر شخصیت محله در لبه خیابان

میزان اهمیت گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۲. نشانه های کالبدی	۱۰٪	۳۰٪	۳۰٪	۲۰٪	۱۰٪
۱. نشانه های معنایی	۲۵٪	۳۵٪	۱۵٪	۲۰٪	۵٪
۳. تباین فضایی	۱۰٪	۲۰٪	۳۵٪	۱۵٪	۲۰٪

دعوت کنندگی: نتایج حاصل از پرسشنامه و مصاحبه ها نشان می دهد که محله بهارستان به جهت داشتن ورودی تعریف شده، پیچیدگی مناسب در مسیر و... برای مخاطبان رهگذری و همچنین ساکنین محدوده مورد مطالعه بیش از سایر محلات دعوت کننده می باشد. محله ی پامنار و ایران به جهت تعدد ورودی های محلی و تعریف نشده کمترین میزان حس دعوت کنندگی در مخاطب رهگذر و محلی ایجاد می کند. (جدول ۷)

جدول ۷. پرسش های مربوط به شاخص دعوت کنندگی

میزان اهمیت گویه	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱. کیفیت کالبدی ورودی ها	۳۰٪	۳۰٪	۲۰٪	۱۵٪	۵٪
۲. کیفیت عملکرد ها و فعالیت ها در ورودی ها	۲۰٪	۴۰٪	۱۵٪	۱۵٪	۱۰٪
۳. خوانایی	۱۰٪	۲۰٪	۳۰٪	۲۰٪	۲۰٪

۵- بحث و کاربست نتایج

۵-۱- بحث و تحلیل یافته ها

نتایج حاصل از پرسشنامه، مشاهده متخصصین و بررسی اسنادی که بر اساس اصول تکنیک اقدام مشارکتی انجام شده است، با ادغام شناخت عینی و ذهنی تحلیل شده و نتیجه ی آن نشان می دهند که برای هر یک از شاخص های در نظر گرفته شده چه مواردی دارای بیشترین کمبود در محله و همچنین پرداختن به آنها بیشترین اهمیت را برای کنشگران دارد. در شاخص دعوت کنندگی، پرسش هایی که مرتبط با کیفیت کالبدی ورودی ها بوده اند نشان داده است که با ارائه راهکارهایی در راستای ارتقا کیفیت کالبدی ورودی ها می توان ضمن استفاده از نظر سرمایه اجتماعی موجود، آنها را برای مشارکت شهروندی بیشتر در محدوده جذب کرد. تنها مورد بیان شده در رابطه با این شاخص در شناخت عینی، کیفیت ورودی ها می باشد و به جز در سکانس یک، این کیفیت نسبتا مناسب ارزیابی شده است در حالی که از دید کنشگران، باوجود مسائل دیگر از قبیل مسائل مرتبط با خوانایی و کیفیت عملکردها در ورودی ها، همچنان کالبد ورودی ها دارای کمترین کیفیت می باشد.

وجود نشانه های معنایی جهت تظاهر شخصیت محله در لبه ی خیابان از دید کنشگران از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که در حال حاضر کمبود این نشانه ها در محدوده احساس می شود. بر اساس شناخت عینی انجام شده نیز نبود نشانه های معنایی و کالبدی در تمام سکانس ها مشاهده شده است، با این حال تشخیص نشانه های معنایی تنها به کمک نظرسنجی دقیق و موردی از کنشگران حاصل می شود.

در رابطه با شاخص شفافیت و عمق بخشی به لبه ی خیابان، بر اساس مصاحبه های انجام شده و تعامل مداوم با کنشگران، چهار گویه به دست آمده است که عبارت اند از: هماهنگی هویت کالبدی از عمق به لبه، نفوذ پذیری فیزیکی، نفوذ پذیری بصری، پیوستگی فضایی. هماهنگی هویت کالبدی از عمق به لبه، با اهمیت ترین گویه از دید کنشگران می باشد که در شناخت عینی محدوده نیز به غیر از سکانس سه در سایر بخش های خیابان به وضوح قابل ادراک بوده است. با این حال در شناخت عینی به مسئله نفوذپذیری بیش تر از سایر گویه ها پرداخته شده است چراکه نفوذپذیری از جمله عناصری ست که از دید ساکنین و رهگذران متفاوت احساس و برداشت می شود.

مهم ترین گویه در شاخص احساس تعلق و رفتارهای مسئولانه، امنیت اجتماعی است. باتوجه به اینکه در شناخت انجام شده نبود سایر گویه ها و عدم پرداخت مناسب به آنها به وضوح در سکانس ها مشاهده می شود، دلیل اهمیت امنیت اجتماعی را می توان اولویت ذاتی مسئله ی امنیت دانست چراکه در صورت نبود امنیت اجتماعی، سایر موارد از جمله کیفیت نظافت معابر، رویدادهای جمعی و عملکرد سرای محله اهمیت خود را از دست داده و حتی در صورت تامین و تقویت این موارد در محدوده، به دلیل نبود امنیت اجتماعی، فرصت و تمایل استفاده از امکانات سرای محله و شرکت در رویداد ها وجود نخواهد داشت. همچنین اهمیت این مورد زمانی بیشتر می شود که ساکنین و شاغلین محدوده نیز که دارای شناخت بیشتری بوده و در تمامی ساعات روز در خیابان تردد دارند، کمبود این امر مهم را احساس کنند.

۵-۲- کاربست نتایج در بستر میدانی پژوهش

بر اساس اولویت گویه های مشخص شده در شناخت ذهنی، و شاخص های شناخت عینی، چهار اولویت در نظر گرفته شده است. به این ترتیب که هر یک از راهکارها، متناسب با یکی از گویه ها ارائه شده است و اولویت راهکار ارائه شده بر اساس اولویت گویه

مرتبط با آن تعیین شده است. روش تعیین اولویت ها به این طریق بوده است که در رابطه با هر شاخص گویه ای که از اهمیت بالاتری از دید گروه هدف (شناخت ذهنی) برخوردار بوده است انتخاب شده و در صورتی که میزان اهمیت گویه ها مساوی و یا با اختلاف اندک بوده است معیار تصمیم گیری گویه ای بوده است که در جداول شماره ۴ تا ۷ (مربوط به شناخت عینی) بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. به این ترتیب تدوین راهکار ها ترکیبی از شناخت کمی (ابعاد عینی) و کیفی (ابعاد ذهنی) بوده است. اولویت شماره یک شامل گویه های، کیفیت کالبدی ورودی ها، نشانه های معنایی، هماهنگی هویت کالبدی از عمق به لبه و امنیت اجتماعی می باشد. اولویت شماره دو شامل گویه های کیفیت عملکرد ها و فعالیت ها در ورودی ها، نشانه های کالبدی، نفوذپذیری بصری و نظافت معابر عمومی می باشد. اولویت شماره سه شامل گویه های خوانایی، تباین فضایی، نفوذپذیری فیزیکی و کیفیت عملکرد سرای محله می باشد. الویت چهارم نیز شامل کیفیت رویدادهای جمعی و پیوستگی فضایی ست. (جدول ۸)

همان طور که در تصویر شماره ۴ نشان داده شده است. تمرکز سیاست هایی که بالاترین اولویت را دارا هستند در سکانس شماره ۱ است که شامل محله بازار می باشد. راهکارهایی از جمله تدوین قوانین ساختمانی و طراحی ساباط در جهت هویت بخشی به این سکانس در نظر گرفته شده است. اولویت بندی این راهکارها از تجميع نظرات کنشگران و برنامه ریزان حاصل شده که از طریق تشکیل جلسات بحث و گفت و گو، آگاهی رسانی و تداوم مشاهده و شرکت در رویداد های عمومی انجام گرفته است. همچنین سیاست شماره سه و چهار که به طور مشترک در هر سه سکانس تعیین شده است نشان دهنده هدف اصلی پژوهش که ایجاد پیوند بین محلات و خیابان است می باشد. با این حال بیشتر تمرکز سیاست شماره چهار (ایجاد گشایش فضایی در مراکز اصلی و گره های مهم خیابان و تجهیز این اماکن به مبلمان متناسب با رفتار های حرکتی متنوع (مکت، حرکت، استراحت و...) در سکانس شماره ۳ می باشد که شامل محله بهارستان و ایران است. سیاست شماره دو نیز (تعریف تراس در ورودی ها و تداوم این تراس ها در پلاک های مجاور در خیابان مصطفی خمینی) به طور خاص در سکانس شماره ۲ شامل محله پامنار و امام زاده یحیی قابل اجرا ست. (جدول ۸)

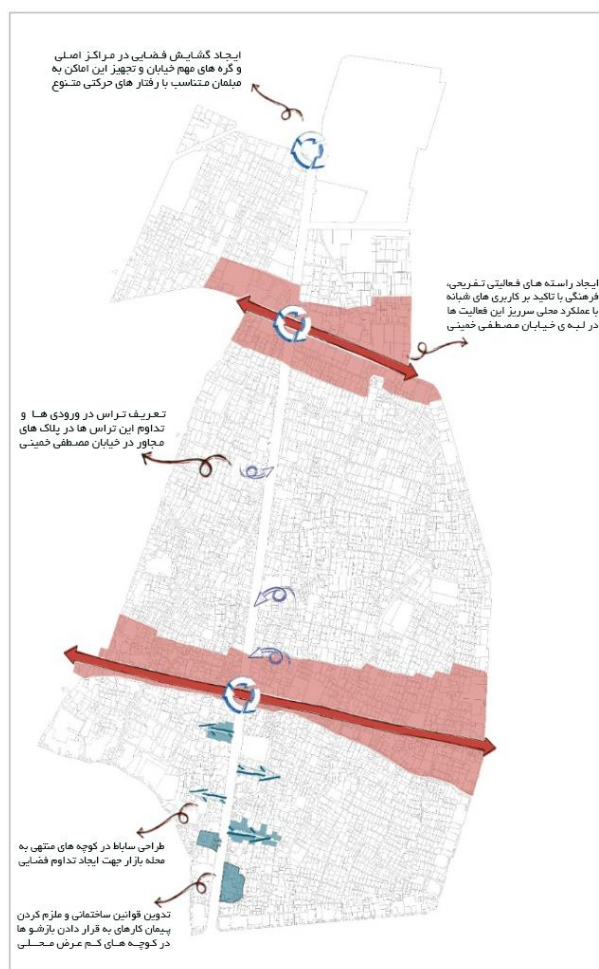
جدول ۸. راهبردهای فضایی و اولویت بندی ها

اولویت بندی گویه ها	راهبرد فضایی	مکان پیشنهادی
اولویت یک	طراحی ساباط در کوچه های منتهی به محله بازار، جهت ایجاد تداوم فضایی	بخش شرقی و غربی محله بازار
	تعریف تراس در ورودی ها و تداوم این تراس ها در پلاک های مجاور در خیابان مصطفی خمینی	محله ی امام زاده یحیی و پامنار
	ایجاد رسته های فعالیتی، تفریحی و فرهنگی با تاکید بر کاربری های شبانه با عملکرد محلی و سرریز این فعالیت ها در لبه خیابان مصطفی خمینی	محور های متقاطع با خیابان مصطفی خمینی و لبه ها مرتبط با آن
	ایجاد گشایش فضایی در مراکز اصلی و گره های مهم خیابان و تجهیز این اماکن به مبلمان متناسب با رفتار های حرکتی متنوع (مکت، حرکت، استراحت و...)	چهار راه سرچشمه، میدان بهارستان و چهار راه سیروس
	تعبیه حداقل یک ورودی برای مجتمع های گردشگری و تفریح	ورودی کوچه سید اسماعیل یکم و دوم و کوچه سعدی
اولویت دو	تدوین قوانین ساختمانی و ملزم کردن پیمان کارهای به قرار دادن باز شو ها در کوچه های کم عرض محلی	کوچه ستارجنتی، بالاگرد، سید اسماعیل یکم و دوم و حمام چال
	تعریف مسیر های پیاده با رویکرد تشویق به اختلاط رفتاری های حرکتی و سکون از طریق طراحی نمایشگاه های هنر خیابانی در محلات	حد فاصل خیابان مصطفی خمینی تا مراکز فرهنگی تاریخی واقع در بافت درونی محله بازار

طراحی مجموعه اقامتی و گردشگری در بافت سنتی با رویکرد حفظ هویت محلات	محله بازار و امام زاده یحیی
طراحی مسیر دسترسی با نفوذپذیری بالا به مجموعه های اقامتی) تسهیل مسیر ها به ایستگاه های مکت و قرار گیری ویتترین مغازه ها در طول آنها (	از خیابان مصطفی خمینی به محله بازار و امام زاده یحیی
اولویت سه	ایجاد تمایز فضایی از طریق تغییر جنس یا طرح کفپوش
	ورودی محلات مرتبط با خیابان (کوچه مرادی، سعدی، سجادی و...)
	سرای محلات
اولویت چهار	تدوین و ابلاغ دستور کار هایی عملگرا جهت اطلاع رسانی به شهروندان از طرح ها، برگزاری نشست های همفکری و...
	اختصاص بخشی از نمای خیابان به هر یک محلات برای اجرای طرح های گرافیکی متناسب با تاریخچه و خاطرات جمعی آن محله
	اجرای رویدادهای فرهنگی و تفریحی، با همکاری سرای محلات و تعریف فضاهایی دائمی یا موقت ویژه این قبیل رویداد ها
	طول محور مصطفی خمینی برای سکاس مرتبط با هر محله

ماخذ: نگارنده، ۱۳۹۸

در تصویر شماره ۴ سیاست های دارای اولویت به صورت مکان مند روی نقشه نشان داده شده است.



تصویر شماره 4. نقشه راهبردهای فضایی

۶- نتیجه گیری

ورود پدیده خیابان به بافت های سنتی شهرهای ایران در طول زمان، خود واجد معانی شهری خاصی مانند مفهوم راسته بندی یا سکانس بندی شده اند. بر اساس مطالعه حاضر به کارگیری سرمایه اجتماعی در بهسازی خیابان های شهری مستلزم شناخت فرصت ها و چالش ها و فرآیند های شکل دهنده به سکانس های آن در طول زمان است.

با بهره گیری از شبکه های سرمایه اجتماعی که به خیابان ها معنای عملکردی ویژه ای می بخشند، می توان نقش امروزین خیابان به عنوان عنصر جداکننده محلات را به عنصری پیوند دهنده به اتصالات محلی تبدیل نمود و از برونداد تعاملات فرهنگی و اجتماعی در این لبه ها به عنوان فعالیت های معنا بخش به سکانس ها نیز بهره جست.

در پاسخ به پرسش های پژوهش می توان گفت ۱. بر اساس بررسی های صورت گرفته بررسی رابطه سرمایه اجتماعی در محلات مورد مطالعه و خیابان میان آن ها نیازمند تشخیص نقش خیابان در نظام عملکرد و فعالیت محلات مرتبط بوده که از جنبه های عینی و ذهنی برخوردار است و در صورت تقویت این نقش، سرمایه های اجتماعی می توانند عامل ایجاد اتصال فضایی و معنایی خیابان با راسته های محله ای و نهایتاً پیوند محلات و عنصر خیابان شوند ۲. در این جهت سکانس بندی هویتمند از خیابان بر اساس محلات متصل به آن و هویت مبتنی به سرمایه اجتماعی نیز قابل دستیابی است ۳. و در پاسخ به پرسش سوم پژوهش نیز با ایجاد امنیت و تعلق خاطر در ارتباط با تشخیص خیابان به عنوان عنصری از محله و در ادامه عناصر فضایی محله و یا عنصر پیوند دهنده محلات، نه عنصر جدا کننده آنها، در منظر ذهنی و عینی ساکنان می توان از قابلیت های سرمایه اجتماعی محلات در جهت نگهداری مسئولانه خیابان شهری مرتبط با آن ها نیز استفاده نمود.

تجربه های جهانی در اجرای تکنیک یادگیری و اقدام مشارکتی نشان می دهد که استفاده از شیوه های مشارکتی نوین همچون برگزاری جلسات گروهی با نماینده افراد در محلات و احیاء نقش شورای محلات برای پیش برد اهداف در سطح توسعه محلی می تواند نتایج بهتری را به همراه داشته باشد، همان طور که در این پژوهش سعی بر آن بوده تا در مراحل اولیه، با جلب اعتماد شهروندان در هر پنج محله مرتبط با خیابان، و اجرای چندین نشست و گفت و گو با آنها، شاخص های مورد نظر برای بررسی کمی، از طریق اجرای روش کیفی حاصل شود. در طی این پژوهش همچنین راهبردهایی برای افزایش کارایی تکنیک "اقدام مبتنی بر یادگیری مشارکتی" در این محدوده شناسایی شدند. اهم این راهبرد ها عبارت اند از: ایجاد بستری برای آگاهی بخشی به شهروندان در رابطه با هویت محلات و آموزش شهروندی مبتنی بر هویت محله ای، امکان استفاده از ظرفیت سرمایه اجتماعی با مهارت های شغلی و دانش علمی مختلف در راستای ارتقاء توسعه محله ای همچنین اجرای برنامه های آموزشی حین فرآیند های مشارکتی و دخیل کردن منافع افراد در پروژه های محله ای در راستای اقناع شهروندان برای حضور فعالانه در برنامه های مشارکتی. نتایج پژوهش حاکی از آن است که برای چگونگی تبدیل خیابان مصطفی خمینی به عنصری پیوند دهنده به اتصالات محلی گسسته شده و ایجاد ویرینی برای تعاملات فرهنگی و اجتماعی می توان از شاخص های دعوت کنندگی، تظاهر شخصیت محله در لبه خیابان، شفافیت و عمق بخشی به لبه خیابان و احساس تعلق و رفتارهای مسئولانه محیطی بهره برد. از سوی دیگر بر اساس نتایج پژوهش گویه های مرتبط با طراحی ورودی های همخوان با هویت تاریخی محلات و تداوم فعالیت های تفریحی و گردشگری در لبه و بافت درونی محلات، در جهت هویت بخشی به سکانس های خیابان از اهمیت بالاتری برخوردارند.

منابع:

۱. بیرو، آلن (۱۳۷۰) فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، نشر کیهان.
۲. توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی (۱۳۸۴) مفهوم سرمایه اجتماعی در نظریات کلاسیک و جدید، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۶.
۳. فیروزآبادی، سید احمد (۱۳۸۴) سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در شهر تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، پایان نامه دکتری.
۴. شارع پور، محمود (۱۳۸۰) فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، نامه انجمن جامعه شناسی ایران، تهران، نشر کلمه.
۵. شکوه فر، فهیمه و شعبانجولا، الهه (۱۳۹۰) بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه اقتصادی شهر، مطالعه موردی، شهر قزوین، اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران، محل برگزاری: مشهد-دانشگاه فردوسی مشهد.
۶. طوسی، محمدعلی (۱۳۷۹) مدیریت و مشارکت کارکنان، تهران، مرکز مدیریت آموزش دولتی.
۷. علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۰)، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، یافته های تجربی و راهبرد ها، تهران، فصلنامه جمعیت.

۸. ناطق پور، محمد جواد و فیروز آبادی، سید احمد (۱۳۸۵)، شکل گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل موثر بر آن، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، پائیز.
۹. عباس زاده، شهاب و حمید گوهری. ۱۳۹۰. توانمند سازی سکونت گاه های غیر رسمی با تکیه بر سرمایه ی اجتماعی-اقتصاد شهری (مطالعه موردی: شهرک شهید باهنر مشهد) اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران چاپ و نشر با زمان کنفرانس.
۱۰. محسنی تبریزی، علیرضا و آقا محسنی، مریم (۱۳۸۹)، بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه شهری، مورد پژوهی: شهر محلات، مجله مدیریت شهری، شماره ۲۶، پاییز و زمستان.
۱۱. نادری بوانلو، محمد و پرتوی، پروین (۱۳۸۹)، تدوین الگوی محله محوری در مدیریت شهری با توجه به ویژگی های شهر مشهد، فصلنامه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، شماره پنجم، پائیز و زمستان.

12. Chambers, R (2008). *Revolutions in Development Inquiry*. Institute of Development Studies, 2008, Earthscan, London.
13. Gaoteri H (1986) *Popular Participation in Development*, in *Participation in Development*, Paris, VNESCO.
14. Pablo Galaso (2018) *Network topologies as collective social capital in cities and regions: a critical review of empirical studies*, *European Planning Studies*, 26:3, 571-590.
15. Payton, Michelle Angela Payton (2003), *Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge*, master's thesis of Natural Resources Science and Management Program, University of Minnesota, June 2003.
16. Sergeldin AND Grooteat (2000) *Defining Social Capital, A multifaceted Perspective*. The Work Bank Washington.
17. Woolch, M (1998) *Social Capital and Economic Development Toward a Synthesis and Policy Frame Work*, *Journal of Theory and Society*, vol 27, pp151-208.
18. Jacques M. Chevalier, Daniel J. Buckles (2019) *Participatory Action Research*, London.
19. Davis J, Grab Y (2019). *Participatory Shaping of Community Futures in E-waste Processing Hubs: Complexity, Conflict, and Stewarded Convergence in a Palestinian Context: Development Policy Review*
20. B Jan Middendorf, P V Vara Prasad, Gary M Pierzynski (2019). *Setting research priorities for tackling climate change: Journal of Experimental Botany*, Volume 71, Issue 2, 7 January 2020, Pages 480–489,

Identifying Street Sequences Related to Identify Neighborhoods with Emphasis on Social Capital

Case study: Mustafa Khomeini Street, Tehran.

Abstract

With the introduction of car-centric streets in the historical districts of Tehran, the identity of these neighborhoods has been affected by changes in physical and social morphology. On the other hand, this newcomer has, over time, acquired certain urban meanings, such as the concept of sequencing or sequencing. Applying social capital to refurbish urban streets has meant recognizing opportunities and challenges and shaping processes to its sequences over time. The purpose of the present study is to introduce a strategic framework for applying the potentials and values of social capital in environmental improvement and responsible maintenance and social control of street-related sequences. To this end, it is necessary to answer the question of how to transform the role of today's street as an element of neighborhood segregation into a linking element of discrete neighborhoods so as to become a showcase for cultural and social interactions. The method of this research is descriptive-analytical which is in three phases: 1- explaining the relevant conceptual framework for entering the research context 2- applying it to the research context, analyzing and discussing the objective and subjective findings. Qualitative data analysis is done. The measurement tool in this research is a semi-structured questionnaire. Observation and qualitative analysis, using descriptive statistics and inferential statistics performed by SPSS software were used to evaluate criteria and answer research questions. The research context of Imam Khomeini Street in district 12 of Tehran is related to the street in five neighborhoods adjacent to this street. The statistical population consisted of all people living in the intervention range of 26771 persons. The sample size was 378 using Cochran formula. Indicators used in this study are invitations, neighborhood personality expression on the street edge, transparency and depth to the street edge, and a sense of belonging and responsible environmental behaviors. The results indicate that the items related to the design of the entrances are consistent with the historical identity of the neighborhoods and the continuation of recreational and tourism activities on the edge and the inner texture of the neighborhoods are of greater importance for identifying street sequences.

Keywords: Social Capital, Street Sequencing, Effective Participation, Participative Learning Action Technique, Mustafa Khomeini Street, Tehran

پی نوشت ها

¹ Social Capital

² Participation

³ Participatory learning Action

⁴ نگارندگان در این مرحله بعد از چندین جلسه حضور در محلات و جلب اعتماد شهروندان، مکانی را در فضای باز با توافق افراد انتخاب کرده و جلسات همفکری برای دستیابی به شاخص های مورد نظر را برگزار کرده اند.

4 Participatory Learning Action (PLA)

5 Participatory rural appraisal (PRA)

6 Rapid Rural Appraisal(RRA)